

رویارویی «دولت اسلامی» و طالبان در افغانستان

در این اواخر رهبران طالبان به حامیان و طرفداران شان اصرار ورزیده و تأکید بعمل آوردند تا علیه «دولت اسلامی» مقاومت نموده و از اهتزاز بیرق آنها در افغانستان جلوگیری نمایند.

متذکر باید گردید که اسناد و مدارکی از «دولت اسلامی» و جنبش طالبان که دال بر اعلام جنگ و نبرد میان آنان میباشد، بدسترس نیروهای امنیتی کشور قرار گرفته است. در مورد متذکره، مسوولین وزارت داخله در هلمند، اطلاعاتی را در اختیار نمایندگان و سایل اطلاعات جمعی قرار دادند. یکی از جمله مسوولان متذکره در اینباره چنین ابراز داشت که: «نامه ای که در آن از اعلام جهاد «دولت اسلامی» و طالبان علیه یکدیگر خبر میداد، در دسترس قرار گرفت». نامبرده همچنان علاوه نمود که این مسأله کاملاً واضح و روشن است که «دولت اسلامی» توسط سازمانهای استخباراتی خارجی بمنظور حفظ تنش و تنش بدرجه و سطحی که لازم است و همچنان بمنظور مخالفت و سنگ اندازی بر مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و مخالفین مسلح در افغانستان ایجاد گردید.

بگفته آنها، ابوبکر بغدادی سردهسته گروه داعش، ملا عمر را بمثابة قوماندان بیسواد و خارج از محیط دانسته و وی را فرد غیر قابل اعتماد محسوب نمود. بنأء رهبران طالبان به متحدین و طرفداران خویش هدایت دادند تا علیه «دولت اسلامی» جهاد نموده و از برافراشتن بیرق «دولت اسلامی» در افغانستان جلوگیری نمایند.

امارت خراسان

در ماه جنوری سال روان، از جانب رهبری «دولت اسلامی» خبری در مورد ایجاد «امارت خراسان» بنشر رسید که تشکیل آن در برگیرنده کشورهای افغانستان، پاکستان، هندوستان و بنگله دیش میباشد، حافظ سیدخان یکی از رهبران طالبان در پاکستان بمثابة امیر «امارت خراسان» گماشته شد. مطابق گفته های کارشناسان، در این اواخر موضع نیروهای «دولت اسلامی» در مناطق شرقی و جنوبی افغانستان از استحکام بیشتری برخوردار گردیده است، از جمله در ولایتهای لوگر، پکتیا، غزنی، ذابل، هلمند و همچنان در شمال کشور در ولایتهای کندز، جوزجان و پروان موقعیت و مواضع خویش را بیش از هر زمان تقویت بخشیده اند. در نتیجه افزایش اعتماد «دولت اسلامی»، طالبان نیز در مبارزه علیه آن بیشتر فعال شده و عزم شان جزم گردیده است. این مسأله شایان توجه میباشد که جنگجویان «دولت اسلامی» در «محلّه های فقیر نشین» افغانستان متولد نشده و در مغاره ها پنهان نمیگردند، بلکه بطور مستقیم وارد عمل گردیده و از منابعی چون نفت، گاز و همچنان از طریق تجارت کسب درآمد مینمایند.

«دولت اسلامی» بمثابه یکی از گروه‌بندی‌های ثروتمند تروریستی محسوب گردیده و سرعت گسترش ساحه نفوذش بمثابه خطر جدی برای جامعه جهانی محسوب میگردد. در اوایل ماه مارچ سال روان، بیشتر از سه بخش قلمرو اراضی سوریه و عراق تحت کنترل «دولت اسلامی» قرار گرفت، اما هدف آن ایجاد خلافت اسلامی در وسیعترین بخش اراضی محسوب میگردد.

ذکر این مطلب جالب خواهد بود که پس از اشغال بعضی از شهرهای عراق و درگام نخست اشغال موصل توسط «دولت اسلامی»، جنگجویان دولت متذکره به چور و چپاول بانکها پرداخته و بیش از هر زمان دیگر به سرمایه «دولت اسلامی» افزایش فوق العاده ای بعمل آمد، این سرمایه در حدود ۳۷۷ میلیون دالرتخمین زده میشود. بیش از ۶۰ فیصد منابع نفتی مناطق شرقی سوریه و همچنان بتعداد ۵-۷ منبع تولید نفت و نیز دومرکز دستگاه تصفیه نفت در عراق را در اختیار دارند. از تصرف و اشغال حوزه های نفتی، مطابق احصائیه های مختلف، در سال ۲۰۱۴ مبلغ سه میلیون دالر در روز و در سال ۲۰۱۵، روزانه مبلغ یک میلیون دالر عاید داشتند. جنگجویان «دولت اسلامی» آثار و مجسمه های باستانی عراق و سوریه را یا تخریب نموده و یا بفروش رسانیدند.

«القاعده» بمثابه نیروی مستقل

تاریخچه «دولت اسلامی»، در عراق از ایجاد ۱۱ تشکل سنیهای بنیادگرا و در رأس آن از ایجاد و پیدایش زیربخشهای «القاعده» در آن کشور، («قاعده الجهاد» در عراق) قبل از سال ۲۰۱۳ یعنی از اوایل سال ۲۰۰۶ آغاز میگردد. «دولت اسلامی عراق» به اشغال بخشی از عراق و تبدیل آن به بخش نظامی دولت اسلامی سنی ها با آغاز تجاوز ایالات متحده بعراق و در عین زمان با خروج نیروهای بین المللی در رأس ایالات متحده از عراق، بیش از پیش وسعت یافته و ساحه نفوذش را گسترش بخشید.

«دولت اسلامی»، شاخه ای از القاعده در عراق محسوب میگردد، بنأی ایالات متحده باید قبل از همه در مورد آینده عراق بیانید. طی سال ۲۰۱۰، «دولت اسلامی عراق» را ابوبکر البغدادی، یکی از جمله لیبران «القاعده» در عراق رهبری مینمود. نامبرده در لیست سیاه ایالات متحده قرار داشته و مبلغ ده میلیون دالر بمنظور قتل و یا دستگیری نامبرده تعیین گردیده است (!)

همچنان بتاریخ ۹ ماه اپریل سال ۲۰۱۳، توسط ادغام دو گروه وابسته به «القاعده»- «دولت اسلامی عراق» و «جبهه النصره» سوریه، گروهبندی واحدی تحت عنوان «دولت اسلامی عراق و شام»، بههدف ایجاد امارت اسلامی در قلمرو لبنان، سوریه و عراق، ایجاد گردید. بتاریخ دهم اپریل سال ۲۰۱۳، جنگجویان «دولت اسلامی شام و عراق» به ایمن الظواهری رهبر «القاعده» سوگند وفاداری یاد کردند. اما طی ماه نوامبر سال یادشده، الظواهری تصمیمی مبنی بر انحلال دولت اسلامی شام و عراق اتخاذ نمود تا «دولت اسلامی عراق» در عراق و «جبهه النصره» در سوریه بصورت جداگانه و مستقل از هم بفعالیت بپردازند. طی ماه فبروری سال ۲۰۱۴، الظواهری اعلام داشت که «دولت اسلامی شام و عراق» را برسمیت نمیشناسد.

خلافت بدون سرحد

متذکر باید گردید که برای «دولت اسلامی شام و عراق»، پس از اشغال موصل در ماه جون سال ۲۰۱۴ مرحله جدیدی آغاز و ایجاد «خلافت اسلامی» در مناطق تحت اشغال اعلام گردید و آنرا «دولت اسلامی»

نامیدند. آخرین نام دولت اسلامی به این مفهوم به آن اطلاق گردید که بمنظور وسعت ساحه نفوذش بسوی عراق و سوریه انتقال داده شده و خود را به هیچ محدودیت جغرافیایی مقید نسازد. «دولت اسلامی» از همان اول امر تاکنون، بصورت ستراتیژیک و با صرفه جویی عمل مینماید.

در اواسط ماه نوامبر، رهبران «دولت اسلامی» به اشتراک مساعی با «انصار بیت المقدس» توافق نمودند. مطابق محاسبه آنها در خود نوار غزه و حتی در قلمرو فلسطین نیز جنگجویان «دولت اسلامی» موجود میباشند، علاوه بر آن، رهبران «دولت اسلامی» در پاکستان با طالبان نیز ملاقات نموده اند. آخرین اطلاعات واصله، بازگویی این حقیقت میباشد که «دولت اسلامی» در افغانستان نیز برای خود پایگاهی ایجاد نموده است. جنگجویانی از گروه «المجاهدین» نیز طی اعلامیه ای، اتحاد خود را با «دولت اسلامی» در شبه جزیره عربستان، لیبیا و یمن ابلاغ داشتند. بتاريخ ۱۳ مارچ، رسانه ها از سرسپردگی سازمان تروریستی بوکوحرام که عمدتاً در سرزمین نایجریا بازیگری عمده محسوب میگردد، اخباری را بنشر سپردند.

در این شش ماه اخیر، «دولت اسلامی»، دهها گروه از کشورهای مختلف، از جمله از الجزایر الی پاکستان را با خود متحد ساخته است. ساختار حکومتی «دولت اسلامی» را مجلس شورا تشکیل میدهد که متشکل از ارگانهای مشورتی بوده و بمنظور مشاوره با خلیفه «دولت اسلامی» ایجاد گردیده است. ارگان اجرایی در مورد امور امنیتی، مسایل مالی، ذخیره گاهها، تعلیم و تربیه مذهبی و امور صحی مسوول میباشد.

ابوبکر البغدادی در رأس هرم قرار دارد. نطق رسمی «دولت اسلامی» ابو محمد العدنانی، اهل سوریه میباشد، نامبرده نخستین فرد خارجی بود که بسال ۲۰۰۵، به مبارزه علیه امریکا پرداخت. همچنان در میان مشاوران البغدادی، اشخاصی به اسمای ابومسلم ترکمنی، شاکر واقب عراقی و ابو عمر شیشانی، نظامی قبلی گرجستانی که فعلاً به اسم ترخان بیتراشویلی نامیده میشود، قرار دارند.

شیشانی بسال ۱۹۸۶ در دهکده برکینان واقع در دره عمیق و باریک پانکیسی چشم به جهان گشود، مادرش اهل کیستین و پدرش اهل گرجستان میباشد. رسانه ها، بطور مکرر و پیهم از مرگ شیشانی خبر دادند، آخرین مراتبه، موضوع توسط رمضان قدیروف، رهبر چیچن در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴ تکرار گردید. اما در مورد هیچگونه مدرک رسمی دال به تصدیق امر فوق وجود ندارد.

همچنان باید یادآور شد که عده ای از اعضای بعثی و طرفداران صدام حسین که در اختفا بسر میبردند، نیز با «دولت اسلامی» ارتباط و مشارکت مستقیم دارند. بدین ترتیب، بتاريخ ۱۲ جون سال ۲۰۱۴، عزت ابراهیم الدوری، جانشین صدام حسین، بمثابه منشی اول حزب بعث، از «انقلاب سنی ها» در جهت آزادی شهر موصل از قوای دولت در حال انحلال نوری مالکی (صدر اعظم عراق) استقبال نمود. رهبر بعثی ها در عمده ترین مسایل و موارد مطرح، اصل منفعت «طرفداران سنی» را که «القاعده» و «دولت اسلامی» در رأس آن قرار دارد، از مسایل عمده و قابل بحث محسوب مینماید. ابو علی الانباری، یکی از جنرالهای اردوی صدام حسین، در مدیریت سرزمینهای اشغالی سوریه که توسط «دولت اسلامی» اشغال گردیده بود، نقش فعال داشت.

در اواخر سال ۲۰۱۴، مطابق احصائیه سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحده، تعداد مزدوران خارجی در صفوف «دولت اسلامی» به ۳۱،۵ هزار نفر رسید. جنگجویان بیش از هشتاد کشور در رده های

مختلف دولت اسلامی می رزمند. بخش اعظم مزدوران جنگی از تونس، عربستان سعودی، مراکش و فرانسه وارد صفوف «دولت اسلامی» گردیده اند. جنگجویانی که علیه قوای امریکایی موجود در عراق و همچنان نیروهایی که علیه بشاراسد میرزمیدند، در واقعیت امر، استخوان بندی «دولت اسلامی» را تشکیل می دهند. نباید فراموش نمود که در جمع قوماندانهای گروههای «دولت اسلامی»، عراقی ها نیز موجود میباشند. اما در این عرصه مجاهدین سعودی دست بالا دارند.

حامیان جهاد

از همان آغاز ایجاد، «دولت اسلامی» بصورت قابل ملاحظه ای از خارج مورد حمایت و پشتیبانی بیدریغ قرار گرفت، در اینمورد، اکثریت قریب بتمام دست اندر کاران امور، به عربستان سعودی اشاره مینمایند. بوب گریم، مسوول قبلی کمیته خاص مجلس سنای ایالات متحده چنین پنداشته و مینویسد که:

تصور مینمایم که خودداری دستگاه محرمانه دولت (خدمات ویژه) ایالات متحده از ارائه وضاحت در مورد شرکت کنندگان در حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به آنها این امکان را فراهم ساخت تا به ایالات متحده امریکا صدمه رسانیده و همچنان به پشتیبانی و حمایه «دولت اسلامی» مبادرت ورزند.

منابع آگاه در سوریه از شیخ عبدالله المحسنی بمتابه یکی از چهره های کلیدی که در ارتباط مستقیم با «دولت اسلامی» بوده و همچنان با خانواده و نزدیکان خانواده سعودی ارتباطات معینی را حفظ نموده است، نام میبرند. همچنان وی بصورت مشخص، کامپاین وسیعی را بمنظور قتل و کشتار بنفع تشدد طلبان براه انداخت.

یکی از چهره های برجسته دربخش معاونتهای مالی به بنیادگراها، شیخ عدنان الارورسوری و دیگری سمیع الاریدی اهل اردن را میتوان نامبرد که در ارتباط مستقیم و خدمتگزاری به استخبارات سعودی ها قراردارند. نباید فراموش نمود از جمله اهدافی که «دولت اسلامی» دستیابی به آنها را از اولویتهای خویش محسوب مینماید، یکی هم سرنگونی بشاراسد رئیس جمهور سوریه و دستیابی به نفت ارزان میباشند.